

اگرچه نیت خوبی است زیستن ...  
اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم!

 [www.konkursara.com](http://www.konkursara.com)

 ۰۲۱۵۵۷۵۶۵۰۰

دانلود بهترین جزوات در

**کنکورسرا**

کنکورسرا

مرجع تخصصی قبولی آزمون فرهنگیان و آزمون استخدامی آموزش و پرورش

الدرس الرابع: تأثير اللغة العربية على اللغة الفارسية: تأثير زبان عربی بر زبان فارسی

شرح المفردات:

| كلمه    | نوع كلمه  | ترجمه                        |
|---------|---|------------------------------|
| نُقِلَ  | فعل ماضى مجهول - ثلاثى مجرد                       | منتقل شد.                    |
| البضائع | اسم - جمع مكسر                                    | كالاها (مفرد آن: البِضَاعَة) |
| اشتَدَّ | فعل ماضى - ثلاثى مزيد باب افتعال (اشتدد ← اشتدَّ) | شدت گرفت                     |



الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكْرَةُ

كلمه «معرفة» از فعل «عَرَفَ: شناخت» و كلمه «نكرة» از فعل «نَكِرَ: نشناخت» گرفته شده است. بنابراین، اسم معرفه يعنى «آشنا» و اسم نكرة نیز به معنای «ناآشنا» است. این دو لفظ در زبان عربی بر دو گروه مهم از اسمها إطلاق می شود و اهمیت یادگیری این موضوع در زمینه ترجمه این اسمهاست؛ زیرا اسمهای نكرة به هنگام ترجمه به صورتی متفاوت و به شکل ناشناخته ترجمه می شوند. درباره این موضوع در بخشهای بعدی این درس به طور مفصل صحبت خواهیم کرد. به علت اینکه انواع اسمهای معرفه کمتر و نسبت به نکرهها محدودتر است، در ابتدا به بررسی دو مورد از انواع اسمهای معرفه می پردازیم:

۱- معرفه به «ال» - ۲- اسم عَلَم (اسم خاص)

۱. معرفه به «ال»:

مهمترین نشانه اسم معرفه، حرف تعریف «ال» است و هر اسم نکره‌ای به وسیله این حرف به معرفه تبدیل می شود. مثال:

مُعَلَّم ← المعلمُ      قلماً ← القلمُ      في كتابٍ ← في الكتابِ

تنوین‌های سه گانه (ـِ، ـٍ، ـٌ) هم نشانه اسم نکره هستند. به همین سبب، در ترجمه اسمهای نکره بدون «ال» توجه کنید که به شکل نکره (ناشناس) ترجمه شوند. اسم نکره در زبان فارسی به یکی از شیوه‌های زیر ترجمه

می‌شود:

| اسم مفرد: جاء معلّم إلى المدرسة          | اسم جمع: رأيت طلاباً إلى الجامعة             |
|--|--|
| ۱. اسم + ی: معلّمی به مدرسه آمد          | ۱. چند + اسم: چند دانشجو را در دانشگاه دیدم. |
| ۲. یک + اسم: یک معلم به مدرسه آمد        | ۲. اسم + انی: دانشجویانی را در دانشگاه دیدم. |
| ۳. یک + اسم + ی: یک معلّمی به مدرسه آمد. |  |

**نکته ۱:** اگر اسمی در جمله به صورت نکره بیاید و همان اسم در ادامه با «ال» به کار رود، می‌توان در ترجمه «ال» از (آن و این) استفاده نمود؛ زیرا مخاطب در مرحله دوم نسبت به همان اسم نکره آشنایی پیدا کرده است. مثال:

رأيتُ كتاباً في المعرض فاشتريتُ الكتاب: کتابی را در نمایشگاه دیدم، پس آن کتاب را خریدم.

يدخل طالبٌ في المكتبة ثم بدأ الطالب بالمطالعة: دانش‌آموزی وارد کتابخانه شد، سپس این دانش‌آموز شروع به مطالعه نمود.

**نکته ۲:** سال گذشته با «خبر» آشنا شدید و آموختید که خبر غالباً با تنوین به کار می‌رود. در چنین مواقعی، خبر را به شکل نکره ترجمه نمی‌کنیم؛ زیرا این تنوین نشانه نقش خبر است و بیانگر نکره بودنش نیست. مثال:

العلمُ كنزٌ: علم گنج است فریقنا فائزٌ: تیم ما برنده است.

۲. اسم علم (خاص): یعنی نام مخصوص شخصی یا مکانی که به وسیله آن از سایر هم‌نوعان خود شناخته می‌شوند. مانند: علی، هاشم، مریم / ایران، شیراز، بوشهر...

البته دقت کنید که این اسم‌ها می‌توانند در جمله نقش‌هایی را بر عهده بگیرند و گاهی اوقات تنوینی متناسب با همان نقش بر روی آخرین حرفشان دیده می‌شود. توجه کنید که چنین تنوینی بیانگر «نکره بودن» این اسم‌ها نیست. مثال:

شارك علي في مراسم تكريم يوم الطالب: علی در مراسم بزرگداشت روز دانش‌آموز شرکت کرد.

### خلاصه درس

۱- بر اساس معیار شناخت، اسم‌ها در زبان عربی به دو دسته معرفه (آشنا) و نکره (ناآشنا) تقسیم می‌شوند.

۲- اهمیت یادگیری این مبحث در زمینه ترجمه آشکار می‌گردد. در ترجمه اسم‌های نکره به یکی از شیوه‌های زیر عمل می‌کنیم:

| اسم مفرد: جاء معلّم إلى المدرسة         | اسم جمع: رأيتُ طلاباً إلى الجامعة            |
|---|--|
| ۱. اسم + ی: معلمی به مدرسه آمد          | ۱. چند + اسم: چند دانشجو را در دانشگاه دیدم. |
| ۲. یک + اسم: یک معلم به مدرسه آمد       | ۲. اسم + انی: دانشجویانی را در دانشگاه دیدم. |
| ۳. یک + اسم + ی: یک معلمی به مدرسه آمد. |  |

۳- دو نوع مهم از انواع اسم‌های معرفه عبارتند از: معرفه به «ال» - اسم علم (خاص)

۴- اسم علم (خاص): یعنی نام مخصوص شخصی یا مکانی که به وسیله آن از سایر هم‌نوعان خود شناخته می‌شوند.

۵- تنوین اسم‌های علم را نباید با تنوین نکره اشتباه گرفت. این تنوین نشانه نقش این کلمات در جمله هستند.

اختبر نفسك:

عين المعرفة والنكرة فيما أُشيرَ إليها بخط، ثم ترجم العبارات حسب قواعد المعرفة والنكرة.

۱. إِنَّ أَحَدَ مهاجمي فريق السعادة سَجَل هدفاً.
۲. تعالَ نذهب إلى الملعب لمشاهدة مباراة بين الفريقين الإيرانيين.
۳. العنبُ البرازيلي شجرةٌ تختلف عن باقي أشجار العالم وتنبُثُ في البرازيل.
۴. ظواهر الطبيعة تُنبُثُ حقيقةً وهي قدرة الله.
۵. يوجدُ نوعٌ من الشجرة الخانقة في جزيرة قشم التي تقع في محافظة هرمزجان.

عين الترجمة الصحيحة حسب قواعد المعرفة والنكرة

|                                |                      |                     |
|--------------------------------|----------------------|---------------------|
| ۱- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا.  | صدای عجیبی را شنیدم. | صدای عجیب را شنیدم. |
| ۲- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ. | به روستایی رسیدم.    | به روستا رسیدم.     |
| ۳- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي    | نگاهی به گذشته       | نگاه به گذشته       |
| ۴- الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ    | بندگانِ درستکار      | بندگانِ درستکار     |
| ۵- السُّورَةُ الْعَتِيقُ       | دستبندِ کهنه         | دستبندی کهنه        |
| ۶- التَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ    | تاریخی زرّین         | تاریخ زرّین         |

### تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

فعل مضارع (به جز فعل‌های دوم و سوم شخص جمع مونث) در میان سایر افعال زبان عربی دارای ویژگی‌های تغییرپذیری در ساختار و معناست. یعنی کلماتی قادرند بر ساختار و معنای آن تأثیر بگذارند و آن را دچار تغییر کنند. در این درس با گروهی از این کلمات و عملکرد آنها آشنا می‌شویم.

حروف: أن (که) - لَنْ (هرگز نه...) - كَيْ، لَيْكِي، حَقِّي (تا، برای اینکه)

با توجه به اینکه آموزش تغییرات ساختاری فعل مضارع در چنین حالاتی از اهداف درسی این کتاب نیست، از پرداختن به آن چشم‌پوشی می‌کنیم. ولی در ادامه به تغییرات معنایی فعل مضارع به همراه این کلمات می‌پردازیم.

فعل مضارع به همراه (أَنْ، كَيْ، لَيْكِي، حَقِّي) به مضارع مضارع التزامی ترجمه می‌شود:

- يُحَاوِلُ الْقَاضِي الْعَادِلُ أَنْ يَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِالْعَدْلِ: قاضی عادل سعی می‌کند که بین مردم با عدالت داوری کند.

- إِنْ يَتَّحِدِ الْمُسْلِمُونَ لِلْأَعْدَاءِ لَنْ يَتِمَّ كُنُوزُهُمْ مِنَ الْغَلْبَةِ عَلَيْهِمْ: اگر مسلمانان متحد شوند، دشمنان هرگز آنها را شکست نخواهند داد.

- عَزِمَ الطَّلَابُ أَنْ يَحَاوِلُوا فِي دَرُوسِهِمْ أَكْثَرَ: دانشجویان تصمیم گرفتند که در درس‌هایشان بیشتر تلاش کنند.

- أَنْتُمْ تُسَاعِدُونَ الْفُقَرَاءَ كَيْ يَكْتَسِبُوا مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ: شما به نیازمندان کمک می‌کنید تا آنچه نیاز دارند را به‌دست بیاورند.

- نحنُ نقاومُ أمامَ المشاكلِ لكي نتغلبَ عليها: ما در برابر مشکلات مقاومت می‌کنیم تا بر آنها چیره شویم.

- اجتهدوا في أعمالكم لتفرحوا في الحياة: در کارهایتان تلاش کنید تا در زندگی شاد شوید.

**نکته مهم:** در زبان عربی برای منفی کردن فعل در زمان آینده از «لن + فعل مضارع» استفاده می‌شود. در این صورت، فعل مضارع را به شکل (هرگز + آینده منفی) ترجمه می‌کنیم.

يُحصلُ: به دست می‌آورد ← لَنْ يَحْصَلَ: هرگز به دست نخواهد آورد

تَنْجَحون: موفق می‌شوید ← لَنْ تَنْجَحوا: هرگز موفق نخواهید شد

### خلاصه درس

۱- از میان فعل‌ها در زبان عربی، فقط فعل مضارع (به جز ساختارهای دوم و سوم شخص جمع مونث) از

عوامل قبل از خود تأثیر می‌پذیرد و دچار تغییر ساختاری و معنایی می‌گردد.

۲- حروف آن (که) - لَنْ (هرگز نه...) - كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى (تا، برای اینکه) معنای فعل مضارع اخباری را

به مضارع التزامی تبدیل می‌کنند.

۳- حرف «لَنْ» معنای فعل مضارع اخباری را به (هرگز + آینده منفی) تبدیل می‌کند.

اختر نفسك: ترجم عبارات حسب ما تعلمت من القواعد.

۱. قَرَّرَ أربعةُ طلابٍ أن يَغيبوا عن الامتحان.

۲. نحنُ لن نستطيع الحضورَ في الامتحانِ في الوقتِ المحددِ.

۳. وافق الأستاذُ أن يُؤجلَ لهم الامتحانَ لمدةِ أسبوعٍ.

۴. أجلسَ الأستاذُ كلَّ واحدٍ منهم في زاويةٍ ليفرقهم في قاعةِ الامتحانِ.